

فهرست

۲۸ اشتباه نویسندگان

نویسنده: جودی دلتون

مترجم: محسن سلیمانی





سوره مهر
روستای سرخ

مرکز آفرینشهای ادبی

۲۸ اشتباه نویسندگان

نویسنده: جودی دلتون

مترجم: محسن سلیمانی

لیتوگرافی: کاوه نو

چاپ و صحافی: سپهر

چاپ اول: ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

شابک: ۴ - ۱۹۰ - ۵۰۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

دلتون، جودی، ۱۹۳۱ - م.

۲۸ آبیست و هشت اشتباه نویسندگان / نوشته جودی دلتون؛ ترجمه

محسن سلیمانی. - تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۵.

۱۸۴ ص، واژه‌نامه و فهرست راهنما / ۱۸۴-۱۵۷.

ISBN: 978 - 964 - 506 - 190 - 4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نویسندگی، الف، سلیمانی، مهدی، ۱۳۵۳، - مترجم، ب. شرکت

انتشارات سوره مهر، ج. عنوان.

۸۰۸/۰۲

PN ۱۴۷ / ۵۸ ب ۹

م ۸۵ - ۲۳۴۴

کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، کوچه جمشید جم، شماره ۷۲.

صندوق پستی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

www.IRICAP.com

فهرست

درباره نویسنده ۹

مقدمه نویسنده ۱۱

۱. در کار نوشتن امروز و فردا نکنید! ۱۵

تمرین‌های پیش از نوشتن برای آن‌هایی دائم امروز و فردا می‌کنند ۲۰

۲. نوشتن اثر را با حرف زدن راجع به آن پشت گوش نیندازید:

به جای نوشتن اثر، حرف آن را ننویسید ۲۸

۳. سعی نکنید بهترین اثر دنیا را خلق کنید و از شکست هم

ترسید ۳۰

۴. چشم‌بند به چشم نزنید؛ زندگی را از چشم نویسنده‌ها ببینید ۳۶

۵. موقع نوشتن، ویرایش نکنید. دست از نوشتن نکشید تا نوشته‌تان را تحسین کنید یا از آن ایراد بگیرید..... ۴۸

۶. کلی‌گویی نکنید. از توصیف‌های خاص استفاده کنید..... ۵۰

۷. نقل نکنید، نشان دهید. از گفت‌وگو و حادثه استفاده کنید نه روایت‌های طولانی..... ۵۵

۸. یادتان نرود که از تشبیه و تضاد هم استفاده کنید..... ۵۹

۹. از صفت‌ها، زیاد استفاده نکنید. از فعل‌های جاندار استفاده کنید..... ۶۲

۱۰. از کلیشه و وابسته‌های وصفی، شعار و کلمات نخ‌نما استفاده نکنید..... ۶۵

۱۱. در نقطه‌گذاری افراط نکنید..... ۷۱

۱۲. مضمون اثرتان را فراموش نکنید..... ۷۴

۱۳. فراموش نکنید که نوشته شما باید ابتدا، میانه و پایان داشته باشد..... ۷۸

۱۴. تعادل بین اجزای اثرتان را فراموش نکنید و حاشیه نروید ۸۲

۱۵. حالات شخصی خود را بیان نکنید. با خواننده ارتباط برقرار کنید ۸۵

۱۶. شخصی ننویسید، عام و جهان شمول بنویسید ۸۹

۱۷. وعظ نکنید و عقاید شخصی خود را ارائه ندهید. بگذارید خواننده خود کشف کند ۹۲

۱۸. فکر نکنید داستان دروغ است، اساس اثارتان صداقت است ۹۷

۱۹. از تحقیق غافل نشوید؛ اما در استفاده از آن افراط نکنید ۱۰۵

۲۰. دائم از من راوی استفاده نکنید. اگر می‌خواهید اثرتان چاپ شود از سوم شخص استفاده کنید ۱۰۹

۲۱. از بازنویسی نهراسید ۱۱۲

۲۲. نگذارید نگرانی‌های جزئی عذابتان بدهد ۱۱۴

۲۳. لزومی ندارد همه مخاطب اثر شما باشند ۱۲۰

۲۴. به انتقادهای و نظرات همسر، دوست، فامیل و رهگذران خیابان گوش نکنید..... ۱۲۲

۲۵. دنبال اینکه آیا استعداد دارید یا ندارید، نباشید..... ۱۲۹

۲۶. گول افسانه «یک شب ثروتمند شدن» را نخورید. ده سال طول می کشد تا یک شب موفق شوید..... ۱۳۳

۲۷. رمان ترسناک خود را برای مجلات شاد نفرستید. ببینید اثرتان را باید برای چاپ به کجا بدهید..... ۱۳۹

۲۸. مایوس نشوید..... ۱۴۴

کلام آخر..... ۱۵۰

واژه نامه..... ۱۵۷

فهرست راهنما..... ۱۸۱

درباره نویسنده

جوادی دلتون در مه سال ۱۹۳۱ در سینت پل مینه سوتا در ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد و بیشتر سال‌های عمر خود را در همین شهر گذراند. وی بعدها پس از گذراندن تحصیلات عالی‌اش در دانشکده سینت کاترین، به عنوان معلم مشغول کار شد. اما در سال ۱۹۷۱ در ۳۹ سالگی با وجود داشتن چهار فرزند و جدایی از شوهرش، تصمیم گرفت نویسنده شود و بالاخره با سماجت و پشتکار توانست از راه قلم زندگی خود را اداره کند. وی بیش از دویست کتاب برای کودکان و نوجوانان و مقالات بسیاری در مطبوعات نوشت و سال‌ها نیز برای هنرجویان تدریس نویسندگی کرد.

از میان آثار او، مجموعه کتاب‌های کیتی، فرشته (Angel) و پشاهنگ‌ها (Scouts) از همه مشهورتر است. دلتون در اثر یک بیماری عفونی در سال ۲۰۰۲ درگذشت.

مقدمه نویسنده

چرا بسیاری از نویسندگان ما ناکام می‌مانند. چرا فقط پنج درصد از نویسنده‌های آمریکایی می‌توانند از نظر مالی روی پای خود بایستند؟ به نظر من دلایل اشتباهات باورنکردنی آن‌ها در کارشان است. بیش از ده سال است که من در سراسر آمریکا درباره نویسندگی، تدریس و سخنرانی می‌کنم و دست‌نویس‌های بسیاری از داستان‌نویسان و غیر داستان‌نویسان را خوانده‌ام. مهم‌تر از این، برخی از نویسندگان دست‌نوشته‌هایشان را برای اظهار نظر پیش من می‌فرستند، اما نویسندگان ما برخی از اشتباهات را دائم در کارشان تکرار می‌کنند؛ و همین باعث می‌شود که داستان‌های خوبی ننویسند و آثارشان فروش نرود و جزو همان پنج درصد از نویسندگان حرفه‌ای آمریکا قرار نگیرند.

یک قسمت از مشکل به این برمی‌گردد که بسیاری از نویسندگان ما دیر آمده‌اند و زود می‌خواهند بروند

(believe in arrival without leaving home)، آن‌ها به استعداد اعتقاد دارند ولی به مهارت نه. جایی خواندم که صاحبان هیچ حرفه‌ای (غیر از شاید نویسندگان) توقع ندارند خیلی زود به مقصد برسند. پیانونواها قبل از اجرای کنسرت، ساعت‌ها تمرین می‌کنند؛ رقصنده‌ها از سه چهار سالگی آموزش و تمرین را شروع می‌کنند؛ بناها نیز می‌پذیرند که باید دوره شاگردی را طی کنند؛ اما بنا به دلایلی، وقتی نویسنده‌های تازه‌کار چند کلمه روی کاغذ می‌نویسند کلمات برایشان مقدس می‌شود و چون شیفته کلمات خودشان می‌شوند توانایی کشف معیارهایی را برای ارتباط با خوانندگان پیدا نمی‌کنند یا نمی‌توانند بفهمند دائم مرتکب چه اشتباهاتی می‌شوند. جان چاردی (Ciardi) می‌گوید: «برای این کلماتی را روی کاغذ می‌آوریم که بتوانیم آن‌ها را تغییر دهیم.» اگر نمی‌خواهید از خیر بعضی از کلمات بگذرید و کلماتی تازه جایگزین آن‌ها کنید (یا دست‌کم آن‌ها را پس و پیش کنید) به هیچ‌وجه نمی‌توانید با خواننده ارتباط برقرار کنید و بعد داستانتان را نیز فقط خود، دوستان و فامیل‌هایتان خواهند خواند.

وقتی نمی‌دانیم چگونه بنویسیم نوشتن برایمان خیلی آسان است. وقتی من در سال ۱۹۷۱ نوشتن را شروع کردم هیچ چیز درباره نویسندگی نمی‌دانستم و نوشتن برایم لذت‌بخش بود. الان گاهی حسرت آن روزها را می‌خورم. روزهایی که فرق بین دوغ و دوشاب [در متن اصلی: مصدر و نوزاد] و یا استعاره و آهنگ (Melody) را نمی‌دانستم. هر چه در قلبم می‌گذشت روی میز اتاق نشیمن تایپ می‌کردم و در همان حال پسر کوچکم زیر پاهایم با ماشین‌های قوطی کبریتی‌اش بازی

می‌کرد. همراه کلماتی که می‌نوشتیم، می‌خندیدیم و گریه می‌کردم و آن‌ها را با صدای بلند برای کسی که می‌شنید می‌خواندم.

روزی که فهمیدم نویسنده‌ای عالی نیستم آسمان بر سرم آوار شد، اما انگیزه فروش آثارم و تأمین زندگی چهار بچه‌ام از راه قلم بر غرورم پیروز شد و از کلی‌بافی دست کشیدم. سردبیران و مسئولان تولید (نشر) مهربانی که کورسوی استعدادی در من می‌دیدند ایرادهایم را یادآوری می‌کردند و چند سال بعد رفته‌رفته نوشته‌هایم قوام گرفت و قوی‌تر شد؛ من کم‌کم به جای استفاده از صفات از افعال استفاده کردم. اگرچه دیگر هرگز نتوانستم به اندازه زمانی که از نویسندگی چیزی نمی‌دانستم از نوشتن لذت ببرم.

اما هنگامی که استعداد و مهارت‌های شما در هم بیامیزد از نوشتن لذت می‌برید. در این موقع بالاخره می‌توانید مثل روزهای اول به طور خودجوش بنویسید و خوب نوشتن دیگر به روحیه شما بستگی نخواهد داشت بلکه تبدیل به عادت خواهد شد. من برای اختصار این حالت را تبدیل به قاعده زیر کرده‌ام:

مهارت + استعداد = لذت

اشتباهات نویسندگی که شما در کتاب حاضر می‌خوانید شامل همه نوع نوشته می‌شود: از داستان و غیر داستان گرفته تا شعر، رمان، مقاله و گزارش. گو اینکه بعضی از این اشتباهات در برخی از قالب‌ها بیشتر اتفاق می‌افتد؛ اما با پرهیز از آن‌ها آثار شما بهتر خواهد شد.

ممکن است (به‌حق) بپرسید: «چرا فکر می‌کنید راجع به کار من خیلی می‌دانید؟» اما من خیلی نمی‌دانم. فقط می‌دانم که خودم چطور در کارم موفق شدم. در واقع می‌توانم تجربیاتم را به شما هم بگویم و

اینکه چطور اشتباهاتم را کشف کردم و بر آن‌ها فائق آمدم. من طی ده سال چهل کتاب جلد سخت برای کودکان و نوجوانان منتشر کردم و ۱۶۰ مقاله و داستان (و کمی هم شعر) در مجلات چاپ کردم. به نظرم پرکار بوده‌ام؛ اما شاید این کارنامه شما را ترغیب کند تا از اشتباهات نویسندگی پرهیزید. آری اطلاعات من درباره اشتباهات نویسندگی بیش از هر چیز دیگری در زندگی‌ام است.

سال‌ها بود که هنرجویان کلاس‌هایم می‌گفتند: «چرا این چیزها را نمی‌نویسید؟» برای همین است که اینک آن‌ها را منتشر می‌کنم؛ به این امید که برای شما هم مفید باشد و بعد از خواندن این کتاب، دیگر چنین اشتباهاتی نکنید.

با تلخیص